



درنگی بر پستچی پابلونردا
کار علیرضا کوشک جلالی

یک شاعر یا شاعرانه‌شدن همه چیز

● علیرضا کوشک جلالی کارگردانی است که اگر به سراغ تراژدی برود، باز هم بر آن است که در برانگیختن احساسات مخاطب مهارشدنی عمل کند. شاید این به دلیل حضور بیش از ۳۰ سال در تئاتر آلمان باشد که در آنجا تئاتر روایی و حماسی بیشتر از تئاتر ناتواالیستی رونق داشته و اینکه بتوان در یک پیرنگ عاشقانه و مسئله میهن‌پرستی این مهارکردن را اصل و اساس قرار داد، کمی مسئله پیچیده‌تر خواهد شد. پستچی پابلو نردود نمایشی شاعرانه است و اگر باریتان عشق مسئله است و هنوز هم وطن و عرق به آن اهمیت دارد، حتما می‌شود از منظر این‌من و از آن مهم‌تر زندگی پابلو نردود، شاعر و سیاست‌مدار بزرگ شیلیایی، به این موضوعات درنگ درخوری داشته باشید و البته این پیرنگ آن‌قدر شاعرانه است و شعرهای نردود آن‌قدر جذابیت دارد که شعرخوانی‌های رویا تیموریان، کاوه آهنین‌جان، اشکان خطیبی و دنیا مدنی هم فضا را هوشیار و گوش‌ها و چشم‌ها را پیدار نگه دارد تا بیشتر از عشق و روابط انسانی و عاشقانه بدانیم، چون تجربه عشق این روزها دیگر یا دارد فضا را هوشیار و گوش‌ها و چشم‌ها را پیدار نگه دارد تا بیشتر از عشق و روابط انسانی و عاشقانه بدانیم، چون تجربه عشق این روزها دیگر یا دارد فراموش می‌شود یا در غبار فراموشی قرار گرفته و از آن‌سو روابط دروغ و هوس‌های لریز از شهوت دارد به‌جای عشق آدم‌ها را بیمار روانی می‌کند؛ برای نمونه این‌همه اسیدپاشی دلیلی بر استیلای شهوت و هوس در روابط اجتماعی است و‌گرنه عاشق راستین که دلش نمی‌آید خاری بر دست و پای معشوق فرو برود و اینکه با اسید بدن را ویران می‌کنند و صورت‌ها را زشت، دلیل بر حاکمیت هوس است... بنابراین درک عشق به‌عنوان یک اصل انسانی و برخورداری از حس‌های درست و بسامان، آن‌ها هم از راه تئاتردین بسیار کمک می‌کند که در راه انسان‌شدن یا آمیختن با آرمان‌های حیاتی تلاش دوچندانی بکنیم و از همه مهم‌تر خود را بهتر بشناسیم و در مسیر بهترزیتن گام برداریم. نمایش‌نامه «پستچی پابلو نردود» بیانگر زندگی مردم شیلی و نحوه ارتباط تنگاتنگ آنها با پابلو نردود و اشعار اوست. ما شاهد تأثیر عمیق او بر مردم هستیم. او آموزگار شفق است. ماریوی پستچی در ارتباط با شاعر بزرگ به رمزرواز عشق پی می‌برد؛ عشقی که نه‌تنها ماریو، بلکه مردمان سراسر جهان را به مرز جنون می‌کشد. کوشک‌جلالی پستچی پابلو نردود را نزدیک به ۲۰ سال پیش اجرا کرده بود که از آن اجرا همچنان روّیا تیموریان باقی مانده است و ما امروز با لحن و بیان تازه‌تری از این اجرای به‌یادماندنی همراه شده‌ایم. روّیا تیموریان بلد است آن‌قدری جدی باشد که دلپندش را به سادگی اسیر خواش یک جوان ناشناخته نکند، اما هیچ‌کس در برابر یک عشق راستین توان مقاومت ندارد. او طوری بازی می‌کند که یک‌باره مسیر بازی به نفع آن جوان پستچی (با بازی اشکان خطیبی) تمام می‌شود که به دلدارش (با بازی دنیا مدنی) برسد و البته حضور یک شاعر بزرگ و خوش‌قلب هم در یافتن این عشق و نسبت‌های حقیقی یافتن با آن بسیار مؤثر است و این شاعر همانا پابلو نردوداست که امیرکاوه آهنین‌جان نقشش را طوری بازی می‌کند که باورپذیر باشد، در مقابل آن زن شوریده پایه‌سن‌گذاشته که اگر درکی از عشق هم دارد به‌خاطر خواننده‌هایش از این شاعر است. اشکان خطیبی هم همه انرژی‌اش را گذاشته که جوان‌تر از سنش باشد تا بتواند در القای عشق بکوشد و در این راه صحنه را لریز از سادگی و شوروحال کند که در اشباع‌شدن از چنین حس و حالی است که تماشاگر هم می‌تواند به درکی از عشق برسد؛ عشقی که لازمه دیاست.

همین نقطه آغازی است برای پرداختن به زندگی درست و اما در آنجا با مرگ پابلو نردود و دیکتاتوری پیونشه که دست‌نشانده آمریکا است، برای گریز از حاکمیت سوسیالیست‌ها، بدبختی چندین‌ساله‌ای زندگی در شیلی را برای چندسال ویران می‌کند که هنوز هم درها و آسیب‌هایش در آنجا مشهود است.

علیرضا کوشک‌جلالی برنده جایزه افتخاری تئاتر شهر کلن آلمان در سال ۲۰۱۶، دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت ارشاد و عضو کانون کارگردانان آلمان و ایران است. او بیشتر به زبان آلمانی می‌نویسد و با هنرپیشگان آلمانی کار می‌کند. وی چندین نمایش‌نامه به زبان فارسی نوشته و ترجمه کرده که در انتشارات قطره، افراز، نمایش و مهر نوروز به چاپ رسیده‌اند. او تاکنون بیش از ۴۰ نمایش در آلمان و ۲۰ نمایش در ایران روی صحنه برده است. کوشک‌جلالی حالا در ایران کارنامه جاافتاده‌ای دارد و همه داشته‌هایش را برای مخاطب اینجایی هم به مشارکت می‌گذارد و چه بهتر از اینکه در سراسر ایران با آموزه‌هایش جوانان نسبت به تئاتر پویا آشنا شده باشند.

بهناز شیربانی: مستند «در جستجوی فریده»، نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۰ معرفی شد؛ خبری که برای بسیاری از سینماگران و علاقه‌مندانی که آثار سینمای ایران را بیگیری می‌کنند غافلگیرکننده بود. این فیلم درباره زنی به نام فریده است که ۴۰ سال پیش در حرم امام رضا(ع) رها شده و بعد از انتقال به شیرخوارگاه توسط زوجی هلندی به فرزندی گرفته شده و به هلند برده می‌شود. فریده که در طول این سال‌ها به‌خاطر ترس از سفر به ایران و تمایل‌نداشتن خانواده‌اش به وطن بازنگشته، چندسالی است از راه دور جست‌وجویی را برای پیداکردن خانواده واقعی‌اش شروع کرده و حالا برای اولین‌بار به ایران سفر می‌کند تا زادگاهش را ببیند و با سه خانواده که مدعی‌اند خانواده واقعی او هستند، ملاقات کند. مستند «در جستجوی فریده» در جشنواره بین‌المللی سینما - حقیقت جایزه بهترین فیلم هنر و تجربه، بهترین تدوین، بهترین موسیقی و جایزه ویژه دبیر را دریافت کرده است، همچنین توانسته جایزه بهترین فیلم مستند از بیستمین جشن سینمای ایران، دیپلم افتخار بهترین‌کارگردانی از جشن مستقل سینمای مستند، بهترین مستند آکادمی سینماسینما و... را تاکنون از آن خود کند. فاطمه معتمدآریا، بازیگر، ابوالحسن داوودی؛ کارگردان، تورج منصوری؛ فیلم‌بردار، رسول صدرعاملی؛ کارگردان، امیر اثباتی؛ طراح صحنه، مرتضی زراق‌کریمی؛ تهیه‌کننده، مهرداد دانش؛ منتقد و رانند فریزداده؛ معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی، به‌عنوان گزینه نهایی به آکادمی اسکار معرفی شده‌اند.

از زمان اعلام مستند «در جستجوی فریده» به‌عنوان نماینده ایران در اسکار، بسیاری از سینماگران نظراتشان را در صفحات شخصی نسبت به انتخاب این فیلم اعلام کردند. نوید محمدزاده از جمله بازیگرانی است که به حمایت از فیلم «متری شیش‌ونیم» پرداخته و شاید به این امید که فیلم محبوبش گزینه احتمالت‌ری برای آکادمی اسکار بوده، نسبت به انتخاب «در جستجوی فریده» در صفحه شخصی‌اش نوشت: «هر سال اواخر شهریور نماینده سینمای ایران به اسکار اعلام می‌شد، علت این عجله در انتخاب چی بود؟ در جستجوی فریده» نماینده سینمای ایران در اسکار؟ فیلم خوبی، درست ولی بر اساس کدوم موفقیت بین‌المللی؟ نمی‌تونس‌تین تا بعد از جشنواره ونیز صبر کنید؟»

حامد بهداد نیز که فیلم «قصر شیرین» با بازی او نیز در فهرست فیلم‌های مورد بررسی کمیته انتخاب بود منتظر پاسخ شفاف‌تری از مدیران مربوطه است. او نیز در صفحه شخصی‌اش این‌طور نوشت: «ضمن تبریک و آرزوی موفقیت

به عوامل سازنده فیلم مستند در جستجوی فریده برای معرفی به‌عنوان نماینده سینمایی، به مراسم اسکار۲۰۲۰، با توجه به شکل غیرمعمول تشکیل کمیته انتخاب، برخلاف روال دوره‌های قبلی و شایعات و ابهامات موجود، درباره نحوه انتخاب نماینده سینمای ایران و نظر به سیاست شفاف‌سازی ریاست سازمان سینمایی، درخواست انتشار جزئیات و شرح مذاکرات دو جلسه اخیر هیئت انتخاب نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ را داریم».

ابوالحسن داوودی نیز در گفت‌وگو با ایسنا در واکنش به این انتخاب گفت: «این انتخاب یک تصمیم جمعی بوده و من به این تصمیم جمعی احترام می‌گذارم، البته نه‌تنها احترام می‌گذارم، بلکه دفاع هم می‌کنم».

این عضو هیئت معرفی فیلم ایرانی به اسکار ادامه داد: «من چندین‌بار به‌عنوان عضو هیئت معرفی فیلم ایرانی به اسکار در جلسات حضور داشتم، معمولا دلایل انتخاب فیلم‌ها به‌عنوان نماینده ایران به اسکار با بقیه رویدادهای هنری جهانی فرق دارد و عمدتا مواردی را در نظر می‌گیرند مبنی‌بر اینکه چه فیلمی می‌تواند نماینده بهتری باشد و چهره متفاوتی را از سینمای ایران معرفی کند. این سینما در یکی، دو سال اخیر اغلب جشنواره‌های اصلی نماینده‌ای نداشته است، گرچه فیلم‌های خوبی داشتیم، اما جهانیان عادت کرده بودند سال‌ها از سینمای ایران یک جلوه‌گاه نو ببینند، اما چندی است این اتفاق نیفتاده است. مستند «در جستجوی فریده» می‌تواند جنبه دیگری از سینمای ایران را معرفی کند و انتخاب این فیلم تصمیم جمع بوده است و من آن را تأیید می‌کنم و به آن احترام می‌گذارم».

در پی معرفی نماینده سینمای ایران به اسکار ۲۰۲۰ حواشی بسیاری درباره چرایی و چگونگی



در پی معرفی فیلم ایرانی به آکادمی اسکار

فریده در جست‌وجوی اسکار

انتخاب این مستند به تیر یک اخبار رسمی و مجازی تبدیل شده است. انتخاب پیش از موعد فیلم، چرایی انتخاب یک مستند و بی‌خبری رسانه‌ها نسبت به تشکیل کمیته انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به اسکار همگی پرسش‌هایی است که سازمان سینمایی و بنیاد سینمایی فارابی را وادار به پاسخ‌گویی کرد، هرچند که به نظر می‌رسد هنوز هم این پاسخ‌ها برای بسیاری قابل پذیرش نیست. رانند فریزداده، دبیر و سخنگوی هیئت معرفی فیلم ایرانی به اسکار، در گفت‌وگو با «شرق» ضمن اشاره به چگونگی انتخاب فیلم در مدت زمان محدود و تغییر قوانین آکادمی گفت: «از دقایق ابتدایی انتشار خبر نهایی‌شدن گزینه کمیته انتخاب فیلم ایرانی به اسکار، در گفت‌وگوهای متعدد برای روشن‌شدن چگونگی این انتخاب به سؤال‌ها پاسخ دادم و شرایطی را که امسال برای ارسال فیلم به اسکار وجود داشت، توضیح دادم. هر سال برای معرفی آثار به ما مهلت بیشتری می‌دادند، اما امسال شرایط تغییر کرد و مهلت برای معرفی آثار تمدید نشد. حتی برای معرفی اعضای هیئت انتخاب نیز زمان زیادی نداشتیم و اعلام شد اگر اعضا معرفی نشوند، سامانه مسدود می‌شود. قطعا فیلم هم باید در بازه زمانی مشخصی به دست اعضای آکادمی برسد و مواد تبلیغی فیلم، دی‌سی‌پی و فرم‌های مورد نیاز برای پخش‌کننده فراهم شود».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره اعتراض برخی از اهالی سینما به این انتخاب گفت: «همیشه هر انتخابی‌موفقان و مخالفانی دارد. کمیته انتخاب فیلم شامل همه سلیاق است و فرایند دموکراتیک را برای انتخاب فیلم طی می‌کند. این انتخاب با تبادل نظر و همفکری اعلام شد. فکر می‌کنم اگر تمام اسامی حاضر در کمیته انتخاب فیلم را مرور کنید، با من موافق خواهید بود که هرکدام از آنها وزن و جایگاهی دارند که می‌توان به نظرانتشان

احترام گذشت. اگر منظور دوستان از شفافیت این است که از نظرات تک‌تک دوستان هیئت انتخاب باخبر شوند، باید بگویم این اسمش شفافیت نیست. قطعه‌ها هرکدام نظرات خاص خودشان را به برخی فیلم‌ها داشتند، اما مهم براین‌د کار این هیئت انتخاب است. در نهایت یک رأی استخراج شده و تک‌تک این دوستان زیر برگه را امضا کردند. این هویت جمعی است که مهم است».

او در پاسخ به این پرسش که دست‌کم از سال ۲۰۰۰ تا الان هیچ فیلم مستندی برنده اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان نشده و در شرایطی که هر سال نماینده سینمای ایران از سینمای داستانی انتخاب می‌شده تا چه حد موفقیتی برای این فیلم مستند پیش‌بینی می‌کند، گفت: «شرایط اسکار متفاوت است. تعداد اعضای آکادمی بسیار زیاد است و هرکدام نظرات خاص خودشان را دارند. موفقیت فیلم «در جستجوی فریده» بستگی به فیلم‌های دیگر حاضر در این رقابت هم دارد. از طرف دیگر، برخی سال‌ها پیش‌بینی می‌شده است که مثلا فیلمی اسکارپسند است، اما خلاف آن به همه ثابت شده است. به‌رحال باید خوشحال بود که هیئت انتخاب با ننگ‌ها دقیق و جامع تمام فیلم‌های سینمای ایران را رصد کرده‌اند و با توجه به پررنگ‌شدن جایگاه فیلم‌های مستند ایرانی در جشنواره‌های خارجی به نسبت سینمای داستانی ایرانی، می‌توان امیدوار بود این فیلم نیز دیده شود. در پی انتخاب فیلم «در جستجوی فریده»،

آزاده موسوی و کورش عطایی نیز یادداشتی را منتشر کردند که در آن ذکر شده است: «قرارگرفتن فیلم «در جستجوی فریده» در کنار آثار شاخص و ارزشمند سال گذشته سینمای ایران برای معرفی به اسکار برای ما مایه افتخار و خوشحالی بسیار بود و اینکه کمیته محترم انتخاب، این فیلم را به‌عنوان نماینده سینمای ایران برای رقابت در این رویداد سینمایی برگزیدند نه‌تنها باعث شعف دوچندان ما شد، بلکه فکر می‌کنیم این انتخاب، یک اتفاق مهم و تاریخی برای سینمای مستند ایران است. سینمایی که فیلم‌سازان آن سال‌هاست به دور از حاشیه‌ها و با کمترین امکانات و بیشترین محدودیت‌ها به تولید آثارشان مشغول هستند و با این چود همواره در بسیاری از صحنه‌های جهانی موجب سربلندی سینمای ایران شده‌اند. امیدواریم این انتخاب کام بلندی برای هرچه بیشتر مطرح‌شدن سینمای مستند ایران در عرصه جهانی باشد و ما به‌عنوان سازندگان و تهیه‌کنندگان این فیلم تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا نماینده شایسته‌ای برای سینمای ایران باشیم. و سیاست‌گزاریم از همه عوامل «در جستجوی فریده» و دست تک‌تک‌شان را می‌بوسیم که ساختن این فیلم بدون همیاری و انرژی و عشق‌شان امکان‌پذیر نبود».

نمایش آیینی – سنتی؛ آشکار و بدون پرده

می‌دهد و فارغ از محتوای سیاسی - اجتماعی طنزآمیز، با شگردهای زبانی پیچیده گفتار محاوره و همچنین تلاش برای نمایشی‌کردن این زبان، اتفاقی در زبان رخ می‌دهد که برای مخاطب هرروزه این نمایش‌ها، زبانی از دایره بسته و پرکنایه و رمز و راز زبان کوچه و بازار است و برای مخاطب امروزی و گذری، این نمایش‌ها تجربه‌ای زیبایی‌شناسانه و «درزمانی» از زبان نسبتا مرده و بی‌کاربردی است که شکل موزه‌ای پیدا کرده است.

کارکرد زیبایی‌شناسی زبان نمایش‌های آیینی - سنتی با جنبه‌های ارتباطی و فرهنگی- میراثی آن ارتباطی تنگاتنگ دارد. اگر از پنجره ارتباطی به نمایش‌های آیینی - سنتی بنگریم، ویژگی رسانه‌ای این نمایش‌ها آشکار می‌شود. در بررسی نمایش به مثابه رسانه و همچنین تبارشناسی این گونه نمایشی در می‌بایم نمایش‌های آیینی - سنتی، کارکرد رسانه‌ای انتقادی و سرگرم‌کننده را توأمان داراست. در طول زمان، از دوره قاجار به این‌سو که تا حدی متن این نمایش‌ها ثبت و ضبط شده است، تغییر واژگان به‌کاررفته در زبان سیاه و دیگر شخصیت‌ها و ترانه‌های آیینی - سنتی، نشان‌دهنده هدف دوسویه بازیگران و مخاطبان نمایش آیینی - سنتی در انتقاد از قدرت است. نقد قدرت در نمایش‌های آیینی- سنتی یکی از کارکردهای مهم آن است. در دوره‌ای با دستمایه‌کردن و تمسخر سلطان عثمانی و در دوره‌ای نیز با تمسخر و ریشخند ارباب که در جامعه کوچک شبانی و شبان‌کارگی قجری، می‌تواند شکل ساده‌شده‌ای از ساختار قدرت باشد. بوده‌اند بازیگرانی که افزون بر توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و زبانی و سرگرمی، در دل ساختار نمایش کهن، خواسته‌اند حرف نو بزنند.

در شکل اجرایی امروزی نمایش‌های آیینی - سنتی، اهرم‌های نمایشی ضِد قدرت، هنوز نتوانسته‌اند به زبان و ساختارهای نمایشی مجهز شوند. گویی نمایش سیاه و دیگر شکل‌های اجرایی، در ستر اجتماعی خاص خود، کارکرد ویژه داشته‌اند. با این حال، نمایش‌های آیینی - سنتی به واسطه ظرفیت بالای پذیرش زبان قدر از سویی و طنز سیاه نهفته در نمایش، قابلیت بی‌شماری در جریان‌سازی نقد قدرت را در تئاتر امروز دارد. البته گفتنی است قدرت در اینجا صرفا به معنای قدرت سیاسی و اعمال حاکمیت در جامعه نیست، بلکه ناظر بر مفهوم هر گونه قدرت در شکل ارتباطی - عاطفی- روان‌شناسانه فرا‌دست و فرودست در هر مجموعه‌ای است که یک نفر یا یک گروه صاحب قدرت است و یک نفر یا گروه‌های دیگر مقهور آن یا به تعبیر فوکو، قدرت در اینجا به معنای هرگونه مناسبات رسمی و غیررسمی است که میان افراد جامعه جاری است.

نمایش‌های آیینی - سنتی در زمانه خود، کارکرد رسانه‌ای- ارتباطی حیرت‌انگیزی داشته‌اند و در گذر زمان با انتشار سینه به سینه، کارکرد اجتماعی خود را ایفا کرده‌اند. اما در چند دهه اخیر با گسترش زمینه‌های رسانه‌ای انتشار محتوای نمایش‌های آیینی- سنتی کارکرد ویژه خود را باید به گونه‌ای دیگر بازتولید کند.



● **گروه‌هنر:** فیلم «ویتالای وارا» به‌کارگردانی «پدرو کاستا»، کارگردان مؤلف سینمای پرتغال، علاوه‌بر کسب جایزه اصلی بهترین فیلم، جایزه بهترین بازیگر زن این رویداد سینمایی را نیز برای «ویتالای وارا»، بازیگر فیلم، به همراه داشت که عنوان فیلم برگرفته از نام اوست. داستان این فیلم درباره زنی میان‌سال به نام «ویتالای» اهل جزیره «کیپ ورده» است که برای دفن همسرش به شهر لیسبون پرتغال سفر می‌کند. همسفر او ۲۵ سال پیش برای یافتن کار به اروپا سفر کرده بود.اما جایزه ویژه هیئت داوران بخش رقابتی جشنواره فیلم لوکارنو به فیلم کرای «ارتفاع موج» به‌کارگردانی «پارک جونگ-یوم»، عطا شد و «دمن مانویل» نیز برای فیلم «فرزندان ایسادورا» موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی این رویداد سینمایی شد. در شاخه بهترین‌بازیگر مرد نیز جایزه به «رجیس مریویو» برای بازی در فیلم «تَب» رسید و جایزه یوزولنگ طلایی بخش سینماگران کنونی نیز به «مامودو دیا»، کارگردان سنگالی، برای اولین فیلم بلندش با عنوان «پدر نافی» رسید و جایزه بهترین کارگردانی نوظهور جشنواره نیز به «حسن فرهانی»، کارگردانی الجزایری، برای فیلم «شماره ۱۴۳ خیابان ساهار» اعطا شد. امسال مستند «نت‌های مسی یک روّیا» در نخستین حضور بین‌المللی خود به عنوان نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی هفته منتقدان جشنواره لوکارنو، به نمایش در می‌آید. هفتادودومین جشنواره فیلم لوکارنو از تاریخ هفت تا ۱۷ آگوست (۱۶ تا ۲۶ مرداد) در کشور سوئیس برگزار شد.

مهر تأیید سازمان سینمایی بر موضع هیئت‌مدیره خانه سینما

● **گروه‌هنر:** پیرو مکانبه تعدادی از صنوف خانه سینما با سازمان سینمایی و درخواست رسیدگی به موضوع نحوه برگزاری مجمع عمومی خانه سینما در روز دوشنبه، ۲۸ مرداد، بهمن حبشی، مدیرکل دفتر مجامع و تشکل‌های سینمایی سازمان سینمایی توضیحاتی را ارائه کرد. بهمن حبشی گفت: مطابق اساسنامه خانه سینما و تاریخ آخرین مجمع عمومی، هیئت‌مدیره از حداکثر مهلت قانونی به‌منظور آماده‌شدن حداکثری صنوف برای مشارکت و امکان حضور در مجمع عمومی، استفاده کرده و برای این آمادگی، چند ماه هم تأخیر داشته و درحال‌حاضر موظف به آماده‌کردن شرایط برای برگزاری مجمع عمومی است و تأخیر در این امر فاقد وجاهت قانونی است.مدیرکل دفتر مجامع و تشکل‌های سینمایی سازمان سینمایی ادامه داد: بر اساس مواد ۱۵ و ۱۸ اساسنامه خانه سینما، مجمع عمومی باید با دعوت و با حضور صنوف قانونی برگزار شود و قانونی‌شدن صنوف بر اساس مصوبه مجمع عمومی سال ۱۳۹۲ و تکرار این مصوبه در مجامع عمومی بعدی خانه سینما به‌عنوان عالی‌ترین مرجع اخذ تصمیمات مرتبط با خانه سینما، منوط به ثبت و اخذ تأییدیه از وزارت کار است، فلذا بر اساس این مصوبه، سازمان سینمایی نیز صنوفی را قانونی می‌داند که در وزارت کار ثبت شده باشند و انتخابات داخلی خود را زیر نظر نهاد نظارتی مربوطه؛ یعنی وزارت کار برگزار کرده باشند. وی با بیان اینکه در اساسنامه خانه سینما مجمع عمومی بالاترین مرجع اخذ تصمیم بوده، گفت: در صورتی که هریک از صنوف و اعضای مجمع عمومی نسبت به نحوه برگزاری مجمع و چگونگی دعوت و انطباق با عدم انطباق رویه اتخاذشده با اساسنامه توسط هیئت‌مدیره برای برگزاری مجمع عمومی ایرادی را وارد می‌دانند بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه می‌توانند از طریق بازرس خانه سینما با از طریق خود مجمع عمومی که با درخواست نصف به‌علاوه یک صنوف، قابل تشکیل است نسبت به طرح ایراد اقدام کنند. حبشی در پایان اظهار امیدواری کرد: بر اساس تبصره ماده یک اساسنامه، روند قانونی‌شدن صنوف با جدیت و سرعت انجام شود و بر آئیند نزدیک شاهد اتمام انجام تشریفات ثبت همه صنوف خانه سینما که ستون‌های اصلی فعالیت‌های فعالان سینمای کشورند باشیم.

انتشار آیین‌نامه ولولیت‌های حمایتی سازمان سینمایی

● **گروه‌هنر:** آیین‌نامه شورای هماهنگی تولید و اولویت‌های حمایتی سازمان سینمایی که در سه ماده در ۳۱ تیرماه سال جاری به تصویب حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، رسیده و لازم‌الاجرا شده است، به منظور ارتقای محتوای محصولات و آثار فرهنگی و هنری و ضرورت هماهنگی و هم‌افزایی مؤسسات تابعه سازمان امور سینمایی و سمایی و بصری ابلاغ شده است. شورای هماهنگی تولید شامل رئیس سازمان سینمایی یا نماینده تام‌الاختیار وی به‌عنوان رئیس شورا، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، دبیر جشنواره فیلم فجر، دو کارشناس فرهنگی- سینمایی به انتخاب رئیس سازمان و معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان دبیر می‌شود. وظایف این شورا عبارت‌اند از: انتخاب اولویت‌ها و موضوعات سالانه حمایتی، تطبیق آثار تولیدی و حمایت‌های مؤسسات با اولویت‌های اعلامی سازمان امور سینمایی و تصویب نهایی آثار تولیدی با مشارکتی مؤسسات تابعه در چارچوب ضوابط مشخص‌شده است.

عکس: سینماک زرمی‌مطابق، ایران‌تئاتر



مشخص از جنبه‌های نمایشی و زیبایی‌شناسی‌اند. هارمونی و درک زیبایی در نمایش‌های سنتی، قطعا به شکل کارکرد زیبایی‌شناسی هنر مدرن نیست و نمی‌توان بر اساس الکاره‌های مدرن شناخت امر زبیا، هنر سنتی و شناخت، آن را شناخت. هنر سنتی نمایش‌های آیینی - سنتی، برگرفته از زبان مردم کوچه و بازار است، اما با این تفاوت که اغراق و غلظت این زبان، مختص قشری از جامعه است که شاید در شکل روزمره و عادی زندگی طرد شده باشند، اما در قالب نمایش آیینی - سنتی، کار می‌کند و الکاره‌ها و پایگان‌بندی‌های اجتماعی و زیبایی‌شناسیک ویژه خود را نیز بر متن و گفتار و ساختار زندگی روزمره تحمیل می‌کند. زبان نمایش آیینی - سنتی و بهره‌گیری از پیچیدگی‌های عناصر زبان محاوره و بهره‌گیری از کهن‌الگوهای نمایشی و اسطوره‌ای، دستور زبان و گرامر ویژه‌ای را خلق می‌کند که در متن زندگی سنتی روزمره می‌نشیند. در شکل نمایشی، این زبان، حامل نوعی درام و زبان نمایشی ساده و تکرارپذیر است که می‌تواند با پایین‌ترین سطح زبانی جامعه ارتباط برقرار کند. سیاه به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت نمایش‌های آیینی - سنتی، نوعی زبان را در جامعه تحمیل می‌کند که با کنایه‌ها و اصطلاحات متلک‌های مکرر، رابطه فرادست و فرودست را در جامعه به نقد می‌کشد. همان دپیده‌ای که در زبان عامه پنهان می‌شود، در زبان سیاه و دیگر تیپ‌های نمایش‌های سنتی پررنگ می‌شود.

زبان نمایش آیینی - سنتی، خلاف زبان‌های مخفی در جامعه، کاملا آشکار و بدون پرده است. هر چند کنایه می‌زند اما کنایه او چندان روشن است که مخاطب بی‌تردید به منظور پنهان پی می‌برد. گویی جامعه ایران در طول قرن‌ها زبان‌های مختلفی را خلق می‌کند که در برهه‌های تاریخی از آن بهره می‌برد. زبان پر رمز و راز عرفانی یکی از زبان‌های پرکاربرد در تاریخ است. در مواجهه با سیاه‌بازی و دیگر نمایش‌های آیینی - سنتی، بخشی از فرهنگ پنهان در زبان کوچه و بازار و چارسوق و زبان مناسبات عاطفی و اجتماعی برآم، برای ما روشن می‌شود. محاوره‌بودن و بهره‌گیری مستقیم از زبان گفتار پایین‌ترین سطح جامعه، نشانه‌های فرهنگی و فرهنگ‌شناسانه متعددی را در دل نمایش‌جا